



تمام برنامه‌ها برای شکست انحصار «سینما تیکت» نتیجه نداد

انحصار ۹۰ درصدی

فروش آنلاین بلیت سینما



میلاد جیلانی زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

تمام فروش بلیت در سینمای ایران باید در سامانه جامع و یکپارچه‌ای انجام شود که معاونت نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، به‌عنوان مرجع نهایی به آن دسترسی و کنترل داشته باشد. اگر فروش سینما کم است و کناف مخارج سالن داران را نمی‌دهد، این مشکل باید از راه‌های دیگری به جز دور زدن یک سامانه جامع حل شود. مثلاً دولت به سالن داران پاره‌بدهد یا معافیت‌هایی برایشان لحاظ کند که به آنها کمک شود اما اینکه فروش بلیت به فضای غیرشفاف پشت گیشه‌ها بگردد، یا سالن داران اقدام به نقدفروشی بلیت بکنند که عوارض مالیات و سهم تهیه کننده را دور بزنند، راه‌حل مساله نیست. به هر بهانه‌ای وقتی چرخه مالی یک صنعت با تجارت غیرشفاف شود، باید منتظر کجروی‌های بعدی بود شاید تا بی نهایت.

علاوه بر این باید به مسائل دیگری از قبیل تعارض منافع، انحصار و امثال آن هم توجه کرد. از سال ۱۳۸۵ به این سو، وقتی خوداظهاری هر کدام از شرکای فروش توزیع فیلم درباره میزان بلیت‌فروشی به تناقض خود تصمیم بر این شد که سامانه جامعی به نام هنر برای جمع‌بندی موارد اعلامی شکل بگیرد. کار این سامانه که برخلاف نمونه‌های امروزی بر بستر اینترنت نبود تا سال ۱۳۹۱ ادامه پیدا کرد و بعد سینماتیک به راه‌افتاد و تبدیل شده یک تاز بلیت‌فروشی آنلاین در سینمای ایران. به شرحی که در ادامه آمده، از سال ۱۳۹۹ به بعد قرار شد این انحصار از دست سینماتیک گرفته شود. روی همین حساب سامانه جدید و یکپارچه‌ای به نام سمفا راه‌اندازی شد و سه سایت دیگر هم برای بلیت‌فروشی آنلاین اضافه شدند. با این حال هنوز ۹۰ درصد از فروش آنلاین و بالای ۴۰ درصد از کل بلیت‌فروشی سینمای ایران توسط سینماتیک انجام می‌شود. صاحبان جدید سینماتیک، همان صاحبان پلتفرم فیلم‌هوسنتد و شبکه نمایش خانگی به‌عنوان تولید و توزیع کننده سرپال، قیب سینما به حساب می‌آید. اینکه مهم‌ترین سکوی فروش بلیت در سینمای ایران به دست مهم‌ترین قیب آن باشد، نشانه خوبی

نیست. به علاوه وقتی بقیه رقبای سینماتیک خیلی ضعیف‌تر از آن باشند، چندان رقابتی برای بالا بردن فروش سینما و به دست آوردن سهم بیشتر ایجاد نمی‌شود. در ادامه به چگونگی شکل‌گیری سامانه یکپارچه فروش بلیت در سینمای ایران و سپس آمارهایی آمده که نشان می‌دهند سهم هر کدام از سکوی‌های فروش بلیت چقدر است پرداخته ایم.

سمفا از کجا پدید آمد؟

در زمستان سال ۱۳۹۸ اخبار شیوع یک بیماری مرموز و عجیب به نام کرونا همه جا پیچید. کرونا یک بیماری ویروسی بود که برای جلوگیری از انتقال آن مرتب فاصله‌گذاری اجتماعی توصیه می‌شد و از اولین قربانی‌هایش فیلم‌دیدن در سالن سینما بود. چند وقت قبل از شیوع کرونا هم تب تماشای سرپال بالا گرفته بود و هم آنالاین فیلم‌ها در پلتفرم‌ها داشت جدی می‌شد. به نظر می‌رسید دوران جدیدی در راه است که اهمیت بخش آنلاین توزیع فیلم را بسیار بالاتر می‌برد. روی همین حساب، فقط یکی دو ماه از نوزد ۱۳۹۹ گذشته بود که اعضای اتحادیه پخش‌کنندگان سینمای ایران با حسین انتظامی، رئیس وقت سازمان سینمایی جلسه‌ای گذاشتند و قرار شد سامانه جامعی برای فروش بلیت سینمای ایران راه‌اندازی شود تا همزمان با بازگشایی مجدد سالن‌ها شروع به کار کند.

آن روزها نه معلوم بود که کرونا کی بساطش را جمع می‌کند و نه دقیقاً چشم‌انداز دقیقی از تأثیری که این پاندمی روی مناسبات اقتصادی و اجتماعی خواهد گذاشت وجود داشت. دولتی‌ها به ایمنی گله‌ای اعتقاد داشتند و فکر می‌کردند با شروع فصل گرما کرونا هم از بین می‌رود و امکان حضوری در سینماها مجدداً آغاز خواهد شد. همه با آنها همدستان شدند. مساله اصلی اما چیز دیگری بود. قرار بود انحصار سایت سینماتیک بر فروش آنلاین سینمای ایران برچیده شود و سامانه جدیدی که داشت برای بلیت‌فروشی سینماها راه‌اندازی می‌شد، این وظیفه را عهده‌دار بود. مسئولیت رصد و هماهنگی بین چهار سکوی بلیت‌فروشی هم به عهده سمفا گذاشته شد و عنوان می‌شد اولین امتیازی که به تهیه‌کننده‌ها و پخش‌کننده‌ها می‌دهد، تقسیم‌خودکار پول

بلیت بین سالن دار و پخش‌کننده در همان لحظه خرید اینترنتی بلیت‌هاست.

سرتیپی، رئیس اتحادیه صنفی پخش‌کنندگان در توضیح این مورد می‌گفت: «سمفا در واقع یک ترمینال است که مدیریت آن در دست وزارت ارشاد قرار دارد و به جای یک شرکت در حال حاضر چهار شرکت در این سامانه برای فروش بلیت‌ها فعال می‌شوند. هر کدام از این چهار شرکت می‌توانند به سینما داران وصل شوند و هر کدام که بتوانند خدمات بهتری را به سینما داران و صاحبان فیلم‌ها ارائه دهند، بهتری می‌توانند در این زمینه کار کنند.» سمفا به معنای سامانه مدیریت فروش و امکان فیلم‌هاست. از چند سال پیش تا به حال فروش اینترنتی بلیت در سینمای ایران توسط سایت سینماتیک انجام می‌شد و امکان آنلاین فیلم خروج در نوروز ۱۳۹۹ باعث شد که سینما دارا فکر کنند از این به بعد دیجیتال مارکتینگ سهم بسیار بیشتری از بازار را خواهد داشت و باید دنبال سهم خودشان در آن باشند. تصورات مهمی که از آینده سینما با توجه به شیوع کرونا از طرفی و الکترونیک و اینترنتی شدن بسیاری از خدمات از طرف دیگر ایجاد شده بود، مثل خیلی از موارد دیگر در کشور ما با هول و ولا و شتاب‌زدگی شکل گرفت. نه کرونا تأثیر به‌خصوصی را که در ابتدا تصور می‌شد روی بازار سینما گذاشت و نه بحث دیجیتال مارکتینگ در صنعت توزیع فیلم به آن مستثنی رفت که خیلی‌ها فکر می‌کردند. امکان دیجیتال و آنلاین فیلم‌ها هم بهار اندکی بود که زود به پایان رسید. یک چیز اما در این میان باقی ماند و آن سمفا بود. سامانه‌ای که روی کاغذ، قرار بود انحصار حدوداً یک دهه‌ای سینماتیک در فروش بلیت را از بین ببرد، از تابستان سال ۹۹ کارش را شروع کرد. اینکه در یک مقطع زمانی به‌خصوص تصور می‌شد آینده تجارت فیلم در فضای دیجیتال رقم می‌خورد و روی همین حساب انگیزه‌ای برای شکستن انحصار سینماتیک ایجاد شد، اگرچه اتفاقات به آن سون‌ترفت، باعث ایجاد سه رقیب در کنار سینماتیک شد. یکی از این رقبای بسیار ضعیف است و حتی حضورش در صحنه توجیه‌چندانی ندارد اما دو مورد دیگر هم نتوانستند حتی ذره‌ای جای این سایت قدیمی را تنگ کنند.

آنچه در جدول به صورت تقریبی درج شده است در ماه‌های مختلف سال تغییر می‌کند، با این حال میزان تغییراتش زیاد نیست. براساس اطلاعات خبرنگار «فرهنگستان» رقمی حدود ۴۸ درصد از مجموع بلیت‌های سینما در سامانه‌های اینترنتی فروخته می‌شود و مابقی ۵۲ درصد مخاطبان سینما از طریق گیشه، به‌صورت مستقیم بلیت می‌خرند. این سهم ۴۸ درصدی فروش آنلاین به نسبت مساوی بین چهار سامانه تقسیم نشده و همچنان قدرت اول بلیت‌فروشی سینما در اختیار سینماتیک است. ۹۰ درصد از سهم فروش آنلاین در سامانه شناخته شده سینماتیک و ۱۰ درصد باقی‌مانده در اختیار سه سامانه «گیشه ۷»، «ایران تیکت» و «آی تیکت» است.

سود میلیاردری در جیب یک سامانه

در سینمای جهان خرید از سامانه‌های اینترنتی فروش بلیت همراه با تخفیف است اما نکته قابل‌تأمل اینکه سامانه‌های فروش اینترنتی ایران، از مشتری کارمزدها می‌گیرند. (این را جدا کنید از آن ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده‌ای که برای خرید یک بلیت سینما از جیب مشتری می‌رود.) سامانه سینماتیک برای هر بلیت سینما از مشتریان، ۴ درصد کارمزد می‌گیرد. این سامانه بنا به قراردادی که با پخش‌کنندگان و سینما داران دارد، هم یک تا ۲ درصد از سهم فروش بلیت را برمی‌دارد. با یک حساب سرانگشتی می‌توان حساب کرد که مثلاً در ۱۴۰۲ روز اول سال ۱۴۰۲ چقدر از فروش سینما نصیب سامانه سینماتیک شده است.

سینمای ایران از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا تاریخ ۲۵ مردادماه توانسته تا رقم ۳۹۵ میلیارد تومان بفروشد. با توجه به اینکه گفتیم ۴۲ درصد از کل فروش بلیت، در سامانه سینماتیک انجام می‌شود، می‌توان گفت که ۱۶۶ میلیون تومان از فروش بلیت در این سامانه است که

کارمزد ۶ درصدی دریافتی از این فروش می‌شود، رقمی حدود ۱۰ میلیارد تومان است. البته این تمام سود این سامانه بلیت‌فروشی نیست. سینماتیک فروش بلیت‌های کنسرت را هم دارد و همچنین سود تبلیغ و معرفی محصولات سینمایی که در این سامانه قرار می‌گیرند را هم باید به این رقم اضافه کرد.

دولت «آی تیکت» راه انداخت اما...

آدرماه پارسال که هاشم میرزاخانی، مدیرعامل موسسه سینماشهر تصمیم به راه‌اندازی سامانه‌ای تحت عنوان «آی تیکت» گرفت، رسانه‌ها خبر از شکستن انحصار در بلیت‌فروشی سینما دادند. میرزاخانی در همان جلسه گفت که سینمای ایران اگر نتواند فرآیندهای جدید برای توسعه و فراهم کردن گرفتار زبان‌دهی خواهد شد. او راه‌حل این موضوع را در توجه جدی به فضای مجازی و فضای آی تی عنوان کرد و گفت: «برای همین است که این سامانه سینما برگزار کرده‌ایم و امیدواریم با کمک ما و اپلیکیشن‌هایی که در بستر فضای مجازی است؛ روند خوبی ادامه پیدا کند. امیدواریم با فضای ایجاد شده جدید برای سینما و جذب افراد شاهد حضور چشمگیر تماشاچیان در سینما باشیم. اگر سینما نتواند اقتصاد خود را بچرخاند عملاً این عرصه به سمت موضوع دیگری می‌رود، لذا با توجه به کلیه پلن‌های سینمایی و مراکز دیگری که ارائه خدمات بلیت‌فروشی دارند باید بتوانیم ضریب اشتغال سینمای ایران را بالا ببریم.»

موارد ادعایی مدیرعامل سینماشهر تا امروز محقق نشده و سامانه آی تیکتی که زیر نظر اوست هم کمتر از ۲۰ درصد از سهم فروش بلیت در سامانه‌های اینترنتی را در اختیار دارد.

سامانه فروش بلیت آنلاین	سهم از فروش آنلاین (میانگین)	سهم از فروش کل بلیت‌های سینمایی (میانگین)
سینماتیک	۹۰ درصد	۴۲
گیشه ۷		۲۰۵
ایران تیکت	۱۰ درصد	۲۰۵
آی تیکت		۵ صدم



دوراهی فیلمسازی زیرزمینی و بیکاری

تیریزی افزود: «معتقدم اگر واقعه‌ای در جامعه رخ می‌دهد یا یک حرکت اجتماعی پیش می‌آید نباید نسبت به آن بی تفاوت باشیم بلکه باید بتوانیم اثرات آن را در فیلم‌های خود و کاراکترها ببینیم؛ به همین دلیل الان تلاش می‌کنم فیلم بعدی خود را بسازم. البته متأسفانه شرایط طوری شده که آنهایی که باید پروانه ساخت و بعد هم پروانه نمایش دهند، آنقدر قیف را تنگ کرده‌اند که حتی یک نفر هم نمی‌تواند از آن گذر کند، یعنی باید با یک چکش آنقدر ضربه زد تا یک نفر بالاخره از آن قیف عبور کند. البته منظرم درباره تمام فیلمنامه‌ها نیست. اگر یک کمدی صرفاً خنده‌دار مثل مدلی که الان ساخته می‌شود را بسازیم یا فیلمی که هیچ عینیتی به موضوعات اجتماعی نداشته باشد، طبیعتاً راه باز است ولی برای فیلم‌های دیگر کار خیلی سخت شده است.» وی ادامه داد: «بعد از دوران کرونا سه فیلمنامه نوشتم که مربوط به شرایط اجتماعی روز است و امکان ساخت آنها هم انگار سخت‌تر می‌شود در حالی که همیشه معتقد بودم طرف مقابل ما با تحلیل درست، باید استقبال کند که در سینمای امروز ما تصویری از شرایط اجتماعی روز را داشته باشیم ولی واقعیت این است که اجازه چنین کاری داده نمی‌شود؛ پس با باید زیرزمینی و بدون

مجوز فیلم بسازم و به جشنواره‌های خارجی بدهم یا اینکه هیچ کاری نکنم. متأسفانه الان اگر بخواهید از مسیر قانونی جلو بروید، شدنی نیست. آنقدر تلاش می‌شود که همه چیز گل و بلبل جلوه داده شود که کار کردن سخت می‌شود، به همین دلیل است که امکان ساخت فیلم‌های طنز بیشتر فراهم می‌شود.» تیریزی گفت: «آنچه در یک سال اخیر رخ داده خیلی در سینما تأثیرگذار است چون یک سری بازیگران خوب ما به همین دلیل از حیطه کار خارج شدند یعنی یا خود خواسته کنار رفتند یا آنها را کنار گذاشتند. همین الان اگر من بخواهم فیلمی بسازم سراغ یک گروهی از بازیگران نمی‌توانم بروم چون اجازه کار ندارند. از طرف دیگر این راه اطلاع داریم که جشنواره‌های سینمایی رده الف دنیا تصمیم گرفته‌اند هیچ فیلمی را از سینمای ایران، حتی اگر بهترین و خوش‌ساخت‌ترین اثر باشد یا حتی کسی مثل اصغر فرهادی آن را ساخته باشد، با حضور زنان باحجاب (بدون حضور زنان بی حجاب) در فیلم قبول نکنند. این دعوا به هر حال جلوی حرکت سینما را می‌گیرد ولی به نظرم سرانجام در جایی همه باید بپذیرند که این اتفاق به یک «نقطه تعادل» رسیده است. و وقتی آن نقطه مشخص نشود حرکت سینما هم دستخوش چنین

شرایطی خواهد بود. او خاطرنشان کرد: «ظاهر امر نشان می‌دهد سرنوشت شبکه نمایش خانگی هم به سرنوشت سینما دچار می‌شود. این مدلی که متأسفانه الان در سرپال‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود چون بیشتر با نگاه تجاری و صنعتی است، منجر به کیفیت خیلی پایین برخی سرپال‌ها شده. علت اصلی آن هم این است که به این حوزه مثل سرمایه‌گذاری در بورس نگاه می‌شود؛ در نتیجه می‌گویند در مدت سه، چهار ماه فیلم‌برداری باید تمام شود یا از یک گروه خاص بازیگر و عوامل پشت صحنه استفاده شود. این مدل کار کردن با روحیه من سازگار نیست.» وی در آخر افزود: «در مجموع با بررسی تولیدات شبکه نمایش خانگی به نظر می‌رسد پلتفرم‌ها به سمتی نمی‌روند که در آنها یک «گیم آف ترنز» ایرانی ببینیم و به نظرم آینده روشنی ندارند؛ هرچند یکی، دو حرکت خوب مثل «خاتون» تا بنا بر کاروان یا «شهرزاد» فتحی اتفاق افتاد ولی بعد دیگر ادامه پیدا نکرد. الان خیلی از سرپال‌ها این‌طور شده که چند نفر دور هم جمع می‌شوند، پلان‌هایی را می‌گیرند، کنار هم می‌گذارند و به خورد مردم می‌دهند. این اتفاق را در سینما هم شاهد هستیم و آثاری را که رگه‌هایی از تمق در آنها وجود داشته باشد کمتر می‌بینیم.»

چارسو

یک تهیه‌کننده سینما: فیلمسازی سخت شده است

سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده سینما، در پاسخ به خبرنگار ایسنا درمورد اینکه آیا پس از گذشت پنج سال از آخرین فیلمش قصد تولید فیلم جدیدی را دارد، گفت: «به نظر می‌رسد ساخت فیلم نسبت به گذشته دچار سختی‌های بیشتری شده است چون در همین روزهای گذشته با مواردی مواجه بودیم که سازندگان فیلم «برادران لیلیا» با وجود داشتن پروانه نمایش از وزارت ارشاد متهم می‌شوند و حتی حکم زندان برای آنها صادر می‌شود.»

ساداتیان افزود: «مدت‌هاست یک بحث در سینمای کشور وجود دارد؛ این که شورای پروانه ساخت از پروسه فیلمسازی حذف شود یا دست کم به کسانی که در این عرصه امتحان خود را پس داده‌اند و کاربلد هستند این مجوز داده شود که در مرحله ساخت، مسئولیت فیلم را خودشان برعهده بگیرند و بعد نظارت نهایی توسط شورای پروانه نمایش انجام شود. من خودم جزء کسانی بودم که موافق حذف شورای پروانه ساخت بودم اما الان با اتفاق‌هایی که در چند وقت اخیر پیش آمده کاملاً به تردید افتاده‌ام چون فکر می‌کنم چطور ممکن است برای فیلمی که تمام پروسه‌های اداری را طی کرده و از وزارت ارشاد مجوز ساخت گرفته، لفظ اقدام «علیه امنیت کشور» به کار برده شود. این موضوع بسیار نگران‌کننده است.»

ساداتیان تأکید کرد: «از سویی دیگر وقتی فیلم‌ها با وجود داشتن مجوز با ممنوعیت در اکران و نمایش مواجه می‌شوند، در نهایت به انتشار نسخه قاچاق شده می‌رسیم که در این میان سینمای ایران و سینما دار مضرر می‌شوند، ضمن اینکه مهم‌ترین پیامد منفی آن بی‌اعتمادی است تا من نوعی به تردید بیفتم که شاید همین اتفاق‌ها فردا برای من هم رخ دهد.»

باید واژه‌های «فلاکت» و «نکبت» را از ادبیات سینماگران حذف کرد

حسین میرزا محمدی، کارگردان فیلم «سینمایی» «کت چرمی» در گفت‌وگو با تسنیم، درمورد قهرمان‌پرذاری در سینمای ایران گفت: «مخاطب امروز سینمای ما به دنبال جنسی از قهرمان است که وقتی او را روی پرده سینما می‌بیند، بتواند با آن همذات‌پنداری کند و خود را جای آن قهرمان بگذارد. ما در سینمایمان نوع خاصی از قهرمان‌ها را داریم و داشته‌ایم؛ قهرمان‌هایی که شاید در زندگی عادی و روزمره شبیه شخصیت قیصر بودند. یکی از دوستان خبرنگار در نشستی از من پرسید که آیا شما و مادر سینمای مسعود کیمیایی هستید؟ پاسخ دادم که ایشان برای من قابل احترامند اما من چیزی را از کیمیایی وام نگرفته‌ام.»

این کارگردان سینما درمورد نسبت جشنواره‌های خارجی و سینمای ایران گفت: «من منکر جشنواره‌های خارجی نیستم و به‌شخصه بارها در این گونه رویدادها شرکت کرده‌ام. می‌توان گفت جشنواره‌های خارجی روی سینمای کوتاه ما تأثیر مثبت داشته و باعث شده است انگیزه فیلمسازان کوتاه تقویت شود و سطح کیفی آثارشان رشد پیدا کند. اما در سینمای بلند، جشنواره‌های خارجی عمدتاً روی موضوع فیلم‌ها تأثیر گذاشته‌اند. نوع سیاست‌گذاری‌ای که در این گونه جشنواره‌ها صورت می‌پذیرد، به فراخور هر قاره و کشور، متفاوت است. در ارتباط با سینمای خاورمیانه، جشنواره‌های خارجی مشخصاً به دنبال چیزهایی هستند که به نفع خودشان باشد، به نفع هدفی باشد که آنها در قبال ایران دنبال می‌کنند و تصویری که دوست دارند از ایران منعکس شود.»

میرزا محمدی همچنین درمورد سینمای اجتماعی گفت: «به‌نظرم سینمای اجتماعی قدری به‌بیراهه رفت. این بی‌راهگی هم ناشی از عملکرد فیلمسازان و برآمده از عملکرد سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران بوده. من قبلاً هم گفته‌ام که باید واژه‌های «فلاکت» و «نکبت» از ادبیات سینماگران و واژه «سیاه‌نمایی» از ادبیات مسئولان حذف شود.»